

همیشه در خداوند شاد باشید؛ باز هم می‌گوییم: شاد باشید . بگذارید ملایمت شما بر همگان آشکار باشد. خداوند نزدیک است . برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری، درخواستهای خود را به خدا ابراز کنید . بدین‌گونه، آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است، دلها و ذهنهایتان را در مسیح عیسی محفوظ نگاه خواهد داشت .



زنی سن بالا ۹۶ ساله تولد خود را جشن گرفت. او تا آخر شب با فرزندان و نوه هایش جشن می‌گرفت. همه او را تحسین می‌کردند که با وجود سن بالا و بیماری‌های مختلف، هیچ وقت ناله نمی‌کرد. یک نوه می‌خواست بداند "مادربزرگ، چطور می‌توانی انقدر خوشحال باشی؟" در پاسخ گفت: "اوه.. من فقط تصمیم گرفتم ناله نکنم، زیرا کسی که همیشه شکایت می‌کند به خلوت غرق می‌شود!" من این مادربزرگ را بسیار تحسین می‌کنم. با این حال، می‌خواهم این سوال را مطرح کنم که آیا امکان دارد خوشحالی را دستور دهد؟ و خیلی بیشتر... آیا می‌توانید شاد بودن را انتخاب کنید؟ در نگاه اول، به نظر می‌رسد که پولس همین کار را کرد. او از زندان فریاد می‌زند: «شاد باش!...» تنها در نگاه اول به نظر می‌رسد که پولس به سادگی شاد بودن را دستور می‌دهد. در نگاه دوم، ما متوجه می‌شویم که نمی‌توان شادی را همین‌طور ایجاد کرد. و پولس همین کار را نکرد.

شادی نیاز به اساس دارد. پس دلیل شادی چیست؟ هنگامی که از انسان عادی می‌پرسیم خوشحالی چیست آنان در جواب می‌گویند که قلب همان احساس است که شاد از آنجا بیرون می‌آید وقتی که اتفاق خوبی می‌افتد. وقتی که به بچه‌ها در کنار درخت کریسمس نگاه می‌کنیم می‌توان شادی که از قلب می‌آید را در چهره‌شان دید و می‌توان درک کرد که این شادی چیست. هنگامی که ۲ نفر یکدیگر را به خوبی درک می‌کنند، خواهیم دید که شادی عمیق ممکن و ملموس است. ما هم اکنون می‌توانیم تمامی چیزهایی که ما را خوشحال می‌کنند یا آن را تجربه می‌کنیم را بشماریم. شاید برخی بگویند بهترین روش برای تجربه‌ی شادی این است که چیزها و کارهایی که ما را خوشحال می‌کنند را بشناسیم و آن‌ها را انجام دهیم. اما قلب انسانی فریب‌کار است. گاهی اوقات انسان‌ها گمراه می‌شوند. به دنبال چیزهایی می‌گردند که طبیعتاً باید آنها را خوشحال کند اما در واقع انسان‌ها را به سمت دره‌ی غم و اندوه پرت خواهد نمود. به همین دلیل انسان باید یکبار این حکمت کلی که خوشحالی از درون آدم می‌آید را موشکافی کند؟ و باید این سوال را بپرسیم: آیا قلب قابل اطمینان است در مورد شادی؟ کسی نمی‌تواند شادی را اجبار کند. و حتی نمی‌توان شادی را ساخت. زیرا دستور قابل اعتمادی وجود ندارد که به وسیله‌ی آن شادی را پیدا کنیم. شادی به هیچ وجه به عوامل خارجی بستگی ندارد. برای اثبات این امر مردمان غم‌گین زیادی وجود دارند که همه موهبت زمینی را دارند و با این حال به ما تایید می‌کنند که عمیقاً غمگین هستند. یک دفع دیگر به پولس بنگریم. بعد از آن مهم است که بدانیم فراخوان به شادی حقیقی برای پولس در یک ماجرای نا مطلوب شروع شد. او در زندان بود و زندان‌های زمان پولس قطعاً مانند زندان‌های امروزی ۵ ستاره هتل نبودند. در آن زمان زندان‌ها بسیار کثیف به همراه موش صحرائی، بد بوی و مریضی‌هایی که امروزه آنان را نداریم بودند. سرما و رطوبت آن جا نیز به جا افتاده بود. این مهم است که ببینیم پولس در چه قالبی این حرف در مورد شادی را بیان نموده است. شریطش کاملاً نا امید بود! آن شادی که پولس اعلام کرده تقریباً یک شورش در برابر همه این ناامیدی بود. با این وجود می‌توانیم در واقعاً در بابیم شادی چیست. شادی

که بر روی موهبت زمینی بنیان شده است واقعی نیست... اما شادی که بر روی معنوی بنیان شده بود هیچ وقت نتوان آن را ربوده کند. در ابتدا پولس کلام معرفی «شاد باش» بر یک کلام دیگر تأیید کرد. واژه اساس «در مسیح» است. برای درک صحیح پولس در مورد شادی، ابتدا نیاز است جمله ی در عیسی را درک کنیم. در هر صورت پولس از شادی سخن می گوید که ما به سادگی نمی توانیم آن را ایجاد کنیم حتی با فکر های مثبت. شادی واقعی بسیار نزدیک به عیسی مسیح وابسته است. عیسی مسیح اساس حیات برای ما است. عیسی مسیح به زندگی ما محتوای جدیدی بدهد. به هر حال پولس این را بداند که چه سریع همه چیز می تواند با گم کردن این وسیله «در عیسی مسیح» از بین برود. بعضی اوقات به وسیله ی آموزه های غلط و گاهی نیز همان طور که در فیلیپیان نوشته شده است توسط ترسی غلط. و این راه برای ما چگونه می تواند باشد؟

در حال حاضر شادی کریسمس است در اهمیت است.. زمانی که عیسی به دنیا آمد. چراغ ها میدرخشند و جو خانواده گرم می شود. و اقتصاد سعی می کند به هر طریق و هر وسیله ای در قلب ما وارد شود و آن را تسخیر کند. این یک رویدا تلخ وحشتناک است که ما تولد سرورمان عیسی مسیح را جشن بگیریم درحالی که او را در مرکز قلبمان نداریم. در عوض از چراغ های بیشتری استفاده می شود وانمود به خندیدن می کنیم و به تولیدات صنعتی اهمیت بیشتری داده می شود تا سرورمان عیسی مسیح.. با این کار چیزی را اظهار می کنیم که مدت ها است دیگر وجود ندارد. پولس می خواهد ما را به مرکز ماجرا برگرداند. در مرکز ماجرا تنها عیسی مسیح قرار دارد. و هنگامی که عیسی مسیح مرکز ماجرا است او ما را آزاد می کند و ما می توانیم شاد باشیم. طبیعتا این روشن است که شیطان در راه ما هست و سعی به دور کردن ما از عیسی مسیح دارد. پولوس در اینجا به ما هشدار می دهد که نترسیم. کلمه ی یونانیک برای نگران *Merinna* چیزی تقریبا به معنی فشار است.

فشار را می توان پیایی بیشتر و بیشتر نمود. در انتها به سطحی خواهد رسید که دیگر قابل تحمل نیست. و در نهایت چیزی شکسته و خرد می شود. یک موقعی بلاخره این تحمل پایان خواهد یافت. این کلمه ی یونانی راجع به استرس را بیان نماید. استرس فشاری است بر تمام بدن و روح. این چگونه اتفاق می افتد؟ این فشار از درون است. این که کار های زیادی برای انجام دادن داریم استرس نیست. استرس می تواند کاملا متفاوت دیده شود: مثلا هنگامی که در کاری و یا در خانواده به شما گفته شود شما بدترین فرد هستید این گفته می تواند همانند وزنه ی سنگینی شما را له و خرد کند. و نیز می تواند مانند فردی که وجدانی گناه کار دارد وی را آزار دهد که هر لحظه در این فکر است که چه کار غلطی کرده ام و این می تواند همانند وزنه ی سنگینی بر دوش وی باشد. و یا این که مدتی از ازدواج و یا خانواده غمگین باشم. و حتی استرس خیلی بیشتر از این قبیل چیزهایی است که ما در اینجا گفته ایم. به این دلایل ما فرسوده می شویم. آیا راهی دارد؟ این را ما در زندگی پولس رسول خواهیم یافت. او نیز قطعا به عنوان یک مسیحی به همراه سائول استرس های زیادی داشت. چه چیزی از ذهن وی هنگامی که به عنوان سائول شاهد سنگسار اشتفان بوده است گذشته؟ افکار شخصی شبانه ی او به عنوان یک مسیحی قاتل چه بوده است؟ زندگی او دیگرگون شد. در راه برگشت به دمشق چشمان او باز شد و فشار از روی او برداشته شد. حتی برای مدتی بعد از موضوع او کور ماند. در این زمان چشمان روحانی او گشوده شدند و او توانست عیسی مسیح را در مرکز زندگی خود پیدا کرد. زندگی وی به عنوان یک رسول قطعا طوری بود که او استرسش را به طور ناگهانی از دست نداد. یقینا می توان گفت که استرس پولس بیشتر از سائول بوده است. از این سو از پولس نه تنها به عنوان رسول برای یهودیان بلکه به عنوان رسول برای کل جهان نیز یاد میشود.

همان طور که خداوند در اعمال رسولان باب ۹ در مورد رنج هایی که پولس باید بکشد میفرماید: من به او نشان خواهم داد که به خاطر نام من چه مشقتها باید بر خود هموار کند (اعمال رسولان باب ۹ آیه ی ۱۶). با این حال پولس رسول این مرکز صلح نشان داد:

«آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است، دلها و ذهنهایتان را در مسیح عیسی محفوظ نگاه خواهد داشت» با عقل انسانی پولس رسول یک فرد بیچاره و رسولی رنجور به نظر می رسد اما طبق روح خداوند چیزی فراتر از عقل و درایت ما است و این را پولس با جمله ای ساده بیان می کند: خداوند در نزدیکی ما است!...

و بنیان شادی همینه!

به همین دلیل است که ما همیشه در مراسم او را این چنین صدا می کنیم: *Kyrie eleison* به معنی خداوندا به ما رحمت را عطا بفرما است. و ما به وسیله ی این کلمه او را مورد استقبال قرار می دهیم. و هنگامی که ما درود کشیش را می شنویم که می گوید: خداوند با شما باشد و اعضای کلیسا جواب می دهند و با روح تو، ما آن را اعلام می کنیم که خود عیسی مسیح در میان است. در مرکز وجود ما. اعضای عزیز کلیسا: خداوند به همراهتان باشد. ما این جمله را این هفته نیز دوباره هنگام نمایش تولد عیسی تجربه خواهیم کرد. این برای تمامی یکشنبه ها صدق می کند. در مراسم عشاء ربانی عیسا مسیح همراه ما است. این مراسم راهی است برای مبارزه با استرس... که من هیچ موقع نمی توانم آن را از دست بدهم. بنابر «آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است، دلها و ذهنهایتان را در مسیح عیسی محفوظ نگاه خواهد داشت» آمین .